



1979  
1989

WCARRD

World Conference on Agrarian Reform and Rural Development  
TEN YEARS OF FOLLOW-UP

# نقش زنان در توسعه

## روستایی (۲)



FOOD AND AGRICULTURE ORGANIZATION  
OF THE UNITED NATIONS

ترجمه: رضا ذوقدار مقدم

وجود، مشارکت زنان در اتحادیه‌های بازرگانی و مشارکت آنها در امر مدیریت. همچنان محدود است. سازمان‌های تولید کننده توری و انجمن‌های خود اشتغالزای زنان در هندوستان، موارد معدودی از اتحادیه‌های بازرگانی موفق زنان به شمار می‌رود که به سازماندهی و حمایت از زنان شاغل در بخش غیر دولتی اهتمام دارند. در بنگلادش، شبکه سازمان‌های Nijera Kori Kaj (خودت انجام بده) و کمیته توسعه روستایی (BRAC) افزایش آگاهی زنان محروم روستایی در زمینه علل فقر و محرومیت خود و سازماندهی آنها در جهت انجام اقدامات جمعی برای زدودن آن‌را، هدف ویژه و مشخص خود قرار داده‌اند.

تبدیل گروه‌های خودیار غیر رسمی و سنتی روستایی، به مؤسسات و سازمانهای رسمی تر (گاهی اوقات زیر نظر و رهنمودهای واحد دولتی زنان) به منظور کسب کنترل بر منابع اقتصادی، از جمله اقداماتی بوده است که از رهگذر آن، روند ایجاد پیشرفت در سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی زنان دنبال شده است. در بعضی از کشورهای افریقایی و آسیایی، این سازمان‌ها توانسته‌اند با ایجاد اشتغال و درآمد مستقل برای زنان (بازارانه وام‌ها و اعتبارات با بهره پایین از

بوده است. هرچند انگیزه اصلی ایجاد چنین سازمانهایی، اغلب صرفاً جنبه اقتصادی دارد، اما این سازمانها، همچنین استقلال زنان و تواناییهای آنها را برای اعمال کنترل بیشتر بر تصمیم گیریهای اقتصادی و درآمدی، افزایش می‌بخشد. نمونه‌های موفق از سازمانهای زنان روستایی را می‌توان در بسیاری از کشورهای امریکای لاتین، همچون بولیوی، کلمبیا، هندوراس و پرو مشاهده کرد. در این کشورها که درسالهای اخیر سازمان‌های ملی زنان به منظور اعمال فشار سیاسی برای تضمین حقوق مساوی زنان شکل گرفته‌اند، از طریق ایجاد شاخه‌ها و شعباتی به مناطق روستایی نیز یا گذاشته‌اند معمولاً توجه چنین سازمان‌هایی عمدتاً به افزایش مشارکت سیاسی زنان روستایی معطوف است (به عنوان مثال در کوبا، نیکاراگوئه، زامبیا، تانزانیا و موزامبیک). اما اخیراً این سازمان‌ها در امر توسعه فعالیت‌های درآمدزا برای زنان و تعاونی‌های زنان نیز مساعدت می‌کنند.

در این راستا، در عراق و سوریه اتحادیه‌های عمومی زنان در همکاری تنگاتنگ با وزارت کشاورزی قرار دارند تا جذب زنان در توسعه روستایی و کشاورزی را گسترش بخشند. با این

در چند شماره گذشته رشته مطالبی را تحت عنوان «تجارب جهانی توسعه روستایی» از گزارش مربوط به ۱۰ سال پی گیری مصوبات کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی (WCARRD) منتشر شده از سوی فانو، ترجمه و به نظر خوانندگان مجله رساندیم. در این شماره، ترجمه دومین بخش از آخرین قسمت این گزارش - که مربوط به «نقش زنان در توسعه روستایی» است - به نظر علاقمندان می‌رسد. امید اینکه درج این رشته مطالب، در جهت آشنایی هرچه بیشتر خوانندگان محترم مجله با تجربیاتی که سایر کشورها در جنبه‌های مختلف توسعه روستایی کسب کرده‌اند مؤثر واقع شود.

### سازمانهای مشارکتی زنان

یکی از روندهای نوید بخش در توسعه روستایی، رشد و گسترش سازمانهای زنان در پاسخ به نیازهای آنها مبتنی بر مقابله با بهره کشی، کسب کنترل بر منابع، دسترسی به خدمات و برنامه‌های دولتی و دست زدن به فعالیتهای اقتصادی مستقل



منابع پولی جمع آوری شده، و کاهش مداخله دلالان و واسطه‌ها در امر بازررسانی و پرداخت اعتبار) و افزایش ثروت و دارایی آنها از این طریق، نه تنها به زنان، بلکه به کل جامعه سود برسانند. در کشورهایی چون مالزی، کره، اندونزی، سیرالئون، نیجریه، سنگال و... مؤسسات غیررسمی پس انداز و وام زنان، با ایجاد مکانیسمی - هم برای پس انداز و هم برای وام گیری - توانسته است به امر جمع آوری و تحرك بخشیدن به سرمایه برای وام دهی گروهی کمک کند. در افریقا، دولت‌ها علاوه بر حمایت از چنین مؤسسه‌هایی، به استفاده از آنها در جهت عرضه پروژه‌های مربوط به توسعه زنان اقدام کرده‌اند. در این راستا است که می‌بینیم کلوب‌های سنتی پس انداز زیمبابویه، گسترش می‌یابند تا در فعالیت‌های درآمدزا شرکت جویند.

## تعلیم و تربیت، بهداشت و فرصت‌های شغلی

در ارتباط با امر آموزش و پرورش، بیست‌تر کشورها در جهت رفع موانع قانونی و رسمی در زمینه ورود به مدرسه و تأمین دسترسی برابر به آموزش برای دختران و سران، اقدام کرده‌اند. گزارش‌های رسیده از شمار متعددی از کشورهای، حاکی از افزایش نرخ باسوادی در میان زنان در طول چند سال گذشته، و افزایش تعداد دخترانی که آموزش ابتدایی را گذرانده‌اند، می‌باشد. با این وجود، در مقاطع بالاتر از ابتدایی، دختران عملاً سانس کم‌تری برای ورود به مدرسه داشته‌اند. اما زنان از برنامه‌های سوادآموزی بزرگسالان - که هم اکنون در بسیاری از کشورها به اجرا در می‌آید - بیست‌تر منتفع می‌شوند.

در کنیا، زنان ۷۰ درصد کل دانش آموزان بزرگسال را تشکیل می‌دهند. گرچه نرخ سوادآموزی در میان زنان بزرگسال افزایش یافته است و از این نظر، فاصله میان زنان و مردان در بسیاری از کشورها کم شده است، اما زنان روستایی، از این نظر هنوز بی‌نصیب‌ترین گروه را تشکیل می‌دهند.

در خصوص بهداشت و درمان، اطلاعاتی حاصله نشان می‌دهد که زنان در مقایسه با مردان، بیش‌تر در معرض سوء تغذیه قرار دارند. از سویی حجم کار آنها سنگین‌تر است و از سوی دیگر، دسترسی کم‌تری به تسهیلات بهداشتی - درمانی دارند. سلامت زنان روستایی، به ویژه به علت فشار جسمی (فیزیکی) ناشی از ۱۶ تا ۱۸ ساعت کار در روز، تغذیه ضعیف و فرسودگی ناشی از بارداری‌های مکرر، در معرض خطر قرار دارد. در این راستا، برنامه‌های تنظیم خانواده به شدت مورد

توجه قرار گرفته است و هم اکنون در حداقل ۸۵ کشور در حال توسعه، به اجرا در می‌آید.

در برنامه‌های توسعه (ان گونه که در گزارش‌های کشورهای منعکس شده است) بیش‌تر کشورها بر اجرای طرح‌های مراقبت‌های بهداشتی اولیه در مناطق روستایی، تأکید می‌ورزند. در کشورهای پاکستان، تایلند، فیجی، گامبیا، لیبیا، نیکاراگوئه و برو، زنان و کودکان اهداف ویژه سیاست‌ها و برنامه‌های بهداشتی قرار گرفته‌اند. سوریه، اجرای طرح «بهداشت برای همه» را آغاز کرده است که در چهارچوب آن، ۷۰ درصد از مراکز جدید بهداشتی و ۲۶۰ مرکز مراقبت مادران و کودکان در مناطق روستایی ایجاد می‌شود. در مالای، دولت رویکرد همه‌جانبه‌ای را پرمبانی توسعه فعالیت‌های میان بخشی به منظور ارتقاء شأن و موقعیت زنان و کاهش حجم کار آنها، اتخاذ کرده است.

در ارتباط با فرصت‌های شغلی، زنان به طور نامتناسبی در بخش کشاورزی، نیروهای کار خانوادگی بدون مزد و در سطوح پایینی از سلسله مراتب شغلی تمرکز می‌یابند. در آسیا، بیست‌تر زنانی که نیروی کار محسوب می‌شوند، در بخش کشاورزی اشتغال دارند. در افریقا، ۴۷ درصد از نیروی کار بخش کشاورزی را زنان تشکیل می‌دهند که تقریباً ۸۰ درصد از مواد غذایی را تولید می‌کنند.

توسعه کشاورزی معمولاً به معنای منتفع شدن مردان از محصولات جدید و تکنولوژی‌های پربازده و رها شدن زنان در کشاورزی کم بازده و معیشتی بوده است. در این زمینه، گسترش تکنولوژی روستایی

می‌تواند به مثابه شمشیری دولبه برای زنان عمل کند. توسعه تکنولوژی روستایی، در حالیکه زنان را از انجام کارها و مشاغل طاقت فرسا و خستگی‌آور - که بطور سنتی انجام آنها برعهده ایشان بوده است، معاف کرده، اغلب از دست دادن شغل و درآمد زنان (بویژه زنان بی‌زمین و محروم) را نیز بدنبال داشته است. فرصت‌های شغلی غیر کشاورزی نیز بطور نابرابر میان زنان و مردان توزیع شده است، زیرا مشاغل روزمزدی در مناطق روستایی، عمدتاً در زمینه احداث تسهیلات زیربنایی و نگهداری آنها است که امکان حضور زنان در این گونه مشاغل، بسیار پایین است.

خدمات عمومی نوین نیز ممکن است انجام بسیاری از کارها و وظایفی را که قبلاً توسط زنان روستایی بی‌بضاعت جهت دریافت مزد انجام می‌شد (و همچون حمل و نقل آب، جمع آوری هیزم برای مصارف سوختی، بازار رسانی محلی محصولات، نگهداری کودکان و خدمات درمانی سنتی) برعهده بگیرد.

مؤسسات کشاورزی نوین - چه در بخش عمومی و چه در بخش خصوصی - (همچون مراکز بازررسانی، بانکها و حتی تعاونی‌ها) نیز ممکن است به رقابت با زنان روستایی برخاسته، تفوق سنتی آنها در فعالیتهای تجاری و انجام تعهدات دیگر را تحلیل برد. در آسیا، بویژه از صنایع دستی می‌توان یاد کرد که تولید آنها بطور سنتی توسط زنان انجام می‌شد که اغلب، تولیدات ارزان کارخانجات و شرکتهای جدید، جای آنها را گرفته است.

مشارکت زنان در نیروی کار غیر کشاورزی، در مناطقی که فعالیتهای صادراتی - عمل آوری انجام می‌پذیرد (مثلاً در مالزی، جمهوری کره، فیلیپین، تایلند، سری لانکا و بعضی از کشورهای



آورد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. انتصاب زنان جهت آموزش در طرح‌ها و پروژه‌ها، همچنین تعیین نمایندگان آنها برای حضور در کنفرانسها و گردهمایی‌های بین‌المللی از سوی دولت، به جذب و حضور مستقیم زنان در فرایندهای توسعه در سطوح بالاتر کمک خواهد کرد. این پروژه‌ها (مربوط به فائو) بدون پیش‌بینی همتاهای ملی و نهادهای مورد نیاز، برای پروژه‌های میدانی چند منظوره مربوط به زنان، شناس کمی برای موفقیت دارند. اما منابع و اولویتهایی که دولتها در داخل برای اجرای پروژه‌هایی که بودجه آنها از خارج کشور تأمین می‌شود اختصاص می‌دهند، در همه موارد با تقاضای مجریان اینگونه پروژه‌ها در زمینه توجه بیشتری به زنان روستایی، همخوانی ندارد. همچنانکه توجه دولتها به حمایت از طرحها و

پروژه‌های مربوط به جذب زنان در فرایند توسعه بیشتر می‌شود، موفقیت فعالیتهای فائو در این زمینه نیز از تضمین بیشتری برخوردار می‌شود. بدنبال قطعنامه ۱۲/۸۵ کنفرانس «زنان روستایی»، فائو در پی انجام مطالعاتی در زمینه‌های زنان روستایی و اعتبارات، تکنولوژی، دسترسی به زمین، ترویج، مسایل جمعیتی، پرورش آبیان، اثرز، محصولات غذایی، امنیت غذایی، آمار و تخصیص منابع در درون خانوار در شرایط بحرانی برآمده است.

این مطالعات، در این جهت تنظیم شده‌اند که مبنایی برای بهبود و پیشرفت طرح‌های ملی و حمایت‌های خارجی باشند. به علاوه، در سیرالئون، زیمبابوئه و پاناما مراکز منطقه‌ای ایجاد شده است تا پروژه‌هایی را برای زنان و امنیت غذایی تهیه کنند و جلساتی نیز در فنلاند و بنگلادش دربارهٔ چگونگی استفاده از فهرست عناوین و دستورالعمل‌ها برای جذب زنان برگزار شده است تا سیاستگذاران را برای برنامه‌ریزی مؤثرتر در سطح ملی آموزش دهد. قرار است جلساتی نیز در نیپال و برزیل و بعداً در سایر کشورها برگزار شود.

شایان ذکر است که مشارکت زنان در تمامی فعالیت‌ها و پروژه‌های آموزشی فائو، به تدریج از ۱۰ درصد در سال ۱۹۸۲ به ۲۰ درصد در سال ۱۹۸۵ افزایش یافته است.

قطعنامه ۱۲/۸۵، همچنین به توجه بیش‌تر به زنان در پروژه‌های میدانی توصیه می‌کند. برآورد می‌شود که در حال حاضر پروژه‌هایی که هزینه آنها حتی بالغ بر ۱۵ میلیون دلار می‌شود، به منظور سودرسانی مستقیم به زنان، به اجرا درمی‌آیند و حدود ۱۵۰ پروژه دیگر نیز اجرا می‌شوند که بخشی از آنها مربوط به تأمین منافع زنان است. به علاوه، پروژه‌های زیادی که در ابتدای تنظیم، منافع زنان در آنها منظور نشده بود، اکنون در حین اجرا،

تأثیر بحرانهایی که کشورهای درحال توسعه را دربر گرفته، بدتر هم شده است. روند فرسایش زمین، جنگل زدایی و تخریب محیط زیست در افریقا، بواقع منابع و ذخایر غذا، سوخت و آب موجود در اختیار زنان برای ایفای وظایف سنتی خانوادگی و اقتصادی خود را کاهش داده است. در امریکای لاتین نیز زنان همراه دیگران (و شاید بطور نامناسبی) از عدم اشتغال (بیکاری) و کاهشهای بودجه‌ای در زمینه خدمات اجتماعی و برنامه‌های تخصیص و توزیع مجدد، زیان دیده‌اند. از این رو، به نظر می‌رسد رشد و گسترش فقر روستایی در میان زنان از سرعت بیشتری برخوردار است.

چگونگی هم‌سویی میان علایق و گرایشهای دولتها و اقدامات فائو (FAO) مربوط به زنان در توسعه روستایی واضح است که بدون احساس تعهد و علاقمندی دولتها به موضوع زنان در توسعه روستایی، تأثیر فعالیتهای فائو در این زمینه، بسیار محدود خواهد بود. موفقیت طرحها و پروژه‌ها در حد قابل توجهی به نوع سیاستها و خط مشی‌هایی که دولتها درخصوص زنان اتخاذ می‌کنند - بویژه درخصوص شناسایی نقش تولیدی آنها، علاوه بر نقشی که در تولید مثل دارند - بستگی خواهد داشت.

علاوه، وجود پیوند میان واحدهای اجرایی خاص، برای پیشبرد آموزش زنان و وزارتخانه‌هایی که در این امور ذریع هستند، برای اینکه این واحدها بتوانند در امر برنامه‌ریزی و اجرا متسلسل باشند، امری حیاتی است.

همچنین تربیت کادری ملی که مسئولیت رساندن خدمات و نهادهای مورد نیاز کشاورزان را برعهده داشته باشد و بتواند نیازهای زنان روستایی را تشخیص داده، از آنها حمایت بعمل

کارائیب) و همچنین در فعالیتهای صادراتی - کشاورزی (مثلاً در فیلیپین، تایلند، کلمبیا، مکزیک، اردن، مراکش و...) افزایش یافته است. با این وجود، لازم به ذکر است که بکارگیری زنان برای انجام این گونه کارها، ترجیح داده می‌شود، زیرا آنها تشکل لازم را ندارند و برای پذیرش دستمزدهای پایین، عدم امنیت شغلی و جایجایی سریع - که ویژگی این نوع کارهاست - از آمادگی بیشتری برخوردارند.

در بسیاری از مناطق، مهاجرت مردان امری رایج و متداول است و در اینگونه موارد، سرپرستی خانوار عملاً (بدون اختیارات) برعهده زنان گذاشته می‌شود. بدین ترتیب است که می‌بینیم تقریباً در تمامی کشورهای افریقای، مسئولیت تولید محصولات غذایی و بازررسانی محلی آنها بطور روزافزونی، بردوش زنان قرار گرفته است. در افریقا، تعداد خانوارهایی که سرپرستی آنها برعهده زنان است (البته با اختیارات مربوطه) ۲۲ درصد برآورد شده است، اما در مناطقی که مهاجرت مردان گسترده‌تر است (مثلاً در جنوب افریقا) درصد خانوارهایی که زنان بدون اختیارات مربوطه سرپرستی آنها را برعهده دارند، بالغ بر ۶۳ درصد است. در کشورهای کارائیب نیز مسئولیت تولیدات کشاورزی و بازررسانی آنها، بطور گسترده‌ای، برعهده زنان است، در خاور نزدیک - که مردان برای کار در شهرها یا حوزه‌های نفتی، دست مهاجرت می‌زنند مسئولیتهای روزافزونی برعهده زنان قرار می‌گیرد. در آسیا، تعداد خانوارهایی که سرپرست آنها زنان هستند در کشورهای هندوستان و اندونزی افزایش پیدا کرده است.

بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد خانوارهایی که زنان عهده‌دار سرپرستی آنها هستند، از جمله محرومترین خانوارها به شمار می‌روند. همچنین به نظر می‌رسد موفقیت زنان در نتیجه



روستایی و مواد غذایی، انرژی و تکنولوژی تهیه کند.

این فعالیت‌ها، تنها بخشی از برنامه فشرده‌ای است که در طول سال‌ها، در نتیجه علاقه‌مندی دولت‌ها به وجود آمده است. هجدهمین اجلاس کنفرانس فائو، قطعنامه ۲/۶۶ مجمع فائو تحت عنوان «جذب زنان در توسعه روستایی و کشاورزی» را مورد تأیید قرار داد و قطعنامه ۱۰/۷۵ کنفرانس تحت عنوان «نقش زنان در توسعه روستایی» را نیز پذیرفت. براساس این قطعنامه‌ها، فائو موظف است تلاش‌های خود را در جهت مساعدت به کشورهای عضو در زمینه ارتقاء نقش و موقعیت زنان شدد بخشد. بدین منظور، یک گروه کار در ارتباط با زنان و توسعه در ۱۹۷۶ در فائو شکل گرفت تا چهارجوب استواری برای عملی ساختن قطعنامه‌های مذکور بنیاد نهاد. گروه مذکور، وظیفه ارشاد، راهنمایی، تهیه گزارش و ایجاد هماهنگی با سایر مؤسسات دولتی و غیردولتی و دیگر سازمان‌های وابسته به سازمان ملل را بر عهده داشت. مجمع فائو در نودویکمین نشست خود دریافت که این سازمان بایستی اولویت بالایی را به جذب زنان در توسعه اختصاص دهد و از این رو، درخواست کرد که یک برنامه کار برای این بخش تسلیم کنفرانس شود. اقدامات و تلاش‌های فائو تنها بخشی از اقدامات گسترده‌تری را که حاصل همکاری میان سازمان‌های مختلف سازمان ملل است، همچون اجرای راهبردهای آینده‌نگر کنفرانس ناپروبی و برنامه میان‌مدت سازمان ملل برای زنان در توسعه را تشکیل می‌دهد. انجام اقدامات مشترک توسط سازمان‌های مختلف سازمان ملل نیز در نتیجه وجود مکانیسم‌های مبتنی بر همکاری در نظام سازمان ملل متحد، رو به گسترش است.

وسیع‌تر بوده، در بی ترغیب وزارتخانه‌های کشاورزی، به در نظر گرفتن بسگی و ارتباط مسایل زنان با تحقق اهداف اساسی توسعه، همچون امنیت غذایی، و قادر ساختن متخصصان زمینه‌های دیگر، به کسب تجربه در باره ارتباط اینها با نقش‌ها و وظایف زنان، از رهگذر شرکت در روند اجرا و تحقق پروژه‌ها است.

هم‌اکنون کارایی و میزان تأثیر پروژه‌های میدانی فائو - که شرکت زنان در آنها بیش‌بینی شده است - در دست ارزیابی است. این پروژه‌ها، به دنبال رساندن زنان به نقش‌ها و وظایف چندگانه خود هستند. یعنی دخالت دادن مستقیم آنها در طراحی، تنظیم و اجرای پروژه‌ها، فراهم آوردن مجموعه‌های فنی لازم برای اصلاح و پیشرفت موقعیت زنان به عنوان تولیدکننده، تأمین‌کننده، مادر و سریک و تقویت نهادها و مؤسسات ملی و بین‌المللی. براین اساس، بر مساوات و کارایی تأکید می‌شود و افزایش امنیت غذایی - به ویژه در سطح خانوار - هدفی اساسی محسوب می‌شود. از سوی دیگر، در سطح همکاری بین مراکز نیز، فائو نیازمند آن است که به ایفای نقش اساسی خود در ارتباط با جایگاه زنان در تولید مواد غذایی و کشاورزی، ادامه دهد. به عنوان شواهدی برای ایفای این نقش، می‌نوان از مسئولیت فائو در تنظیم فصل زنان و کشاورزی در اسناد و مدارک مربوط به کنفرانس ۱۹۸۵ ناپروبی یاد کرد. همچنین از فائو خواسته شده است که برای گردهمایی ۱۹۸۸ کمیسیون مربوط به موقعیت زنان - که برای اولین بار مضامین اساسی را در مباحثات خود در زمینه اجرای استراتژی‌های آینده‌نگر کنفرانس ناپروبی مدنظر قرار می‌دهد - فصلی را درباره زنان

دخالت دادن زنان را مدنظر قرار داده‌اند. مطالعات موردی این پروژه‌ها به گونه‌ای انجام می‌شود که بتوان تجارب لازم را برای تنظیم و طراحی پروژه‌های مشابه بر مبنای اطلاعات و آگاهی‌های بیس‌تر، کسب کرد. سیستمی در حال شکل گرفتن است که میزان توجه پروژه‌های مختلف به زنان را ثبت می‌کند و نیز کادر اجرایی و مدیران میدانی پروژه‌ها در ارتباط با روش‌ها و مسایل ذیربط، آموزش داده می‌شوند. همچنین یک نوع سیستم کامپیوتری به وجود آمده است که براساس آن، تمامی فعالیت‌های پروژه‌ای منظم بر مبنای میزانی که در آنها زنان به عنوان گروه ذینفع در نظر گرفته شده‌اند، کذبندی می‌شوند. داده‌ها و اطلاعات مربوط به ۱۹۸۶ نشان می‌دهد که ۳۲ درصد از تمامی فعالیت‌های پروژه‌ای منظم فائو، گرایش و توجه آشکاری به زنان دارند و ۱۱ درصد از آنها اختصاصاً به نفع زنان هستند. این فعالیت‌ها، طبیعتاً به گسترش بیش‌تر فعالیت‌های میدانی کمک می‌کند.

فائو رویکرد دو سویه‌ای را در ارتباط با پروژه‌های میدانی دنبال کرده است. از یک سو، در نظر داشتن زنان از اولین مراحل طراحی هر پروژه، بر مبنای اطلاعات مربوط به نقش و جایگاه آنها در منطقه موردنظر را مورد تسویق و ترغیب قرار داده است. و از سوی دیگر، با درک اینکه داده‌ها و اطلاعات معتبر محدودند، فائو طرح‌های خاصی را همچون «اقدام گروهی برای زنان محروم روستایی» که از سوی SIDA و نروژ حمایت می‌شد و «زنان در نظام‌های غذایی» که از سوی نروژ، هندو و اعراب خلیج (فارس)، هلند و ایتالیا حمایت می‌شد، به اجرا درآورد. پروژه‌ها نسبت به گذشته

شؤبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تأثیر علوم انسانی

### ● موقعیت زنان در نتیجه تأثیر بحث‌هایی که کشورهای

در حال توسعه را دربرگرفته، بدتر هم شده است. روند فرسایش زمین، جنگل زدایی و تخریب محیط زیست در افریقا، منابع و ذخایر غذا، سوخت و آب موجود در اختیار زنان برای ایفای وظایف سنتی خانوادگی و اقتصادی خود را کاهش داده است.

● واضح است که بدون احساس تعهد و علاقه‌مندی دولت‌ها به موضوع زنان در توسعه روستایی، تأثیر فعالیت‌های فائو در این زمینه، بسیار محدود خواهد بود.

موفقیت طرح‌ها و پروژه‌ها در حد قابل توجهی به نوع سیاست‌ها و خط مشی‌هایی که دولت‌ها در خصوص زنان اتخاذ می‌کنند، بستگی خواهد داشت.